

نگرشی بر نگارش های کلامی (۵)

واجب الاعتقاد علی جمیع العباد

حمید عطائی نظری

استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

چکیده:

رساله کوتاه واجب الاعتقاد علی جمیع العباد در زمره آن دسته از آثار علامه حلی قرار دارد که در آنها بطور عمده، اصل دیدگاههای اعتقادی امامیه (در بخش کلامی آن) به همراه مهمترین دلیل برای اثبات هر یک از دعوی مجال طرح یافته، و دیگر به ادله و اقوال مختلف در هر مبحث پرداخته نشده است. نویسنده، نوشتار حاضر را با هدف معرفی این اثر به رشته تحریر درآورده است. وی در راستای این هدف، نخست، انتساب رساله مذکور به علامه حلی، تاریخ نگارش، ساختار و نسخه های آن را مورد مذاقه قرار داده است. در ادامه، ترجمه ای از این رساله را در بوته نقد و بررسی قرار داده و مهم ترین شروح و نیز حواشی آن را بر می شمرد. در نهایت، با ارزیابی و بیان چاپ های رساله و ارزیابی و یادآوری کاستی های دو چاپ از آن به تصحیح شیخ محمد رضا انصاری قم، نوشتار را به پایان می رساند.

کلیدواژه:

واجب الاعتقاد علی جمیع العباد، آثار علامه حلی، اعتقادنامه، باورهای شیعه، آثار کلامی، دیدگاه های اعتقادی امامیه.

نگاشته های کلامی علامه حلی (ت ۶۴۸ - م ۷۲۶ ه.ق)، چنانکه در مقاله پیشین از این سلسله مقالات نیز اشاره کردیم، از حیث هدف نگارش، حجم و سطح طرح مباحث و نوع مخاطبان گوناگون است. رساله کوتاه واجب الاعتقاد علی جمیع العباد در زمره آن دسته از آثار علامه حلی قرار دارد که در آنها بطور عمده، اصل دیدگاههای اعتقادی امامیه (در بخش کلامی آن) به همراه مهمترین دلیل برای اثبات هر یک از دعوی مجال طرح یافته، و دیگر به ادله و اقوال مختلف در هر مبحث پرداخته نشده است. هدف علامه از نگارش این نوع اعتقادنامه ها، بیان چکیده باورهای شیعه برای عموم شیعیان بوده است و به همین سبب، از طرح مباحث فنی دانش کلام بطور کامل خودداری کرده است. سید مهناب بن سنان در ضمن استفتاءات خود از علامه این پرسش را مطرح می کند که: اگر مکلفی رساله واجب الاعتقاد علی جمیع العباد را بخواند و معانی آن را دریابد، آیا با این کار، معرفتی که در مسائل اعتقادی بر او واجب است فراگیرد و کسب کرده است و به سبب آن، در دنیا و آخرت از نجات یافته گان و رستگاران خواهد بود یا نه؟ علامه در پاسخ تصریح می کند که اگر کسی این رساله را بخواند و به مضمون آن اعتقاد ورزد همین مقدار برای ادای تکلیفی که در حوزه اعتقادات بر او واجب است، کفایت می کند:

«ما یقول سیدنا فی المختصر الذی صنفه مولانا و سماه «واجب الاعتقاد علی جمیع العباد» إذا حفظ المکلف و عرف معانیه هل یكون بذلك عارفا لما یجب علیه معرفته ناجیا بذلك فی دنیاہ و آخرته، و كذلك «تلقین اولاد المؤمنین» للشیخ الکرآجکی هل یكون كذلك، و أی المختصر أنفع لأولادنا و نساءنا. أفدنا أفادک الله من فوائده.

الجواب: نعم یکنفی فی القیام بالتکلیف المطلوب شرعا معرفة واجب الاعتقاد و اعتقاده، و أما مختصر شیخنا الکرآجکی المسمى بتلقین اولاد المؤمنین فلم یتفق لی الوقوف علیه.^۱

نام رساله که واجب الاعتقاد علی جمیع العباد است هم، خود، نشانگر آن است که معرفت و اعتقاد به مضمون این رساله بر همه مکلفان واجب است و گزاره های مطرح در آن، کمترین حد از اعتقاداتی است که یک شیعه در زمینه شناخت خداوند و صفات و افعال او و همچنین احکام شرعی فقهی باید بدان واقف و معتقد باشد. از آنجا که قصد علامه در نگارش این رساله صرفاً بیان واجبات اعتقادی و عملی بوده است، از بیان مستحبات و دیگر امور غیر واجب پرهیز کرده است.

۱. حلی، حسن بن یوسف، أجوبة المسائل المهنائية، تصحیح: محی الدین الممقانی، مطبعة الخیام، قم، ۱۴۰۱ ه.ق، ص ۱۲۵.

ابراهیم بن علی بن عبد العالی میسی (م ۹۷۹ ه.ق)، که شرحی بر واجب الاعتقاد با عنوان تحصیل السداد نگاشته است، در مقدمه شرحش، در باب ارزش و اهمیت این رساله خاطر نشان کرده است که واجب الاعتقاد در میان نگاه‌های مختصر همسان خود، از حیث سودمندی، نافع‌ترین، و از جهت شیوه نگارش، بهترین نگاه‌هاست؛ زیرا در آن، تمام آنچه که انسان در زمینه مسائل اعتقادی و احکام شرعی باید فراگیرد، گردآمده است. به علاوه، از این ویژگی برخوردار است که تمام مسائل فقهی ذکر شده در آن - جز «تسلیم / سلام نماز» - مورد اجماع و اتفاق نظر فقهای امامیه است و از بیان واجبات فراتر نرفته است. افزون بر این، علامه در تحریر مطالب، نه راه دراز گوئی ممل پیشه کرده و نه طریق اختصار مخل:

«فإنه أعمّ المختصرات نفعاً وأحسنها وضعاً؛ لأنه رحمه الله جمع فيه بين ما تجب معرفته من المسائل الاصولية وبين ما كلف به الانسان من الأحكام الشرعية وله من الخاصية أن جميع ما فيه عدا التسليم من المسائل الفقهية مُجمَع عليه بين الفقهاء الامامية ولم يتعد فيه عن الواجبات إلى ذكر شيء من المندوبات ولم يتجاوز في ذلك إلى تطويل مملٍ ولا تقصير مخلٍ».

با این وصف، نظریه اختصار بسیار رساله واجب الاعتقاد در طرح مسائل اعتقادی و کلامی، بطور طبیعی این نگاه‌هاست نمی‌تواند مرجع مهمی برای تحقیق در باب مسائل اعتقادی یا شناخت دیدگاه‌های کلامی علامه حلی به حساب آید. از همین روست که در دیگر آثار کلامی، ارجاع چندانی به این کتاب نشده است.

۱. انتساب رساله واجب الاعتقاد به علامه حلی

در انتساب رساله واجب الاعتقاد به علامه حلی تردیدی نیست؛ زیرا او در خلاصه الأقوال - دست کم بر اساس برخی از نسخ آن^۲ - از این رساله، در زمره تألیفات خودش یاد کرده است.^۳ علامه در اجازه‌ای که برای مهن بن سنان صادر کرده است^۴ از این اعتقادیه هیچ نام نبرده است^۵، ولی چنانکه پیشتر بیان شد، نام رساله واجب الاعتقاد در ضمن پرسش و پاسخهای مطرح در این کتاب برده شده است و علامه انتساب آن را به خود تأیید کرده است.^۶

بر اساس برخی منابع، فرزند علامه، جناب فخر المحققین (م ۷۷۱ ه.ق) نیز رساله‌ای زیر عنوان «واجب الاعتقاد» معروف به «واجب الاعتقاد کبیر» نگاشته بوده است.^۷ جلال الدین محمد بن مولانا شمس الدین محمد استرآبادی اثری با نام شرح واجب الاعتقاد دارد که میرزا عبدالله اصفهانی احتمال داده این اثر، شرحی بر رساله «واجب الاعتقاد کبیر» - که به گمان وی ظاهراً همان الرسالة الفخریة فی فخر المحققین است - باشد که در بعضی مصادر به فخر المحققین نسبت داده شده است. میرزا عبدالله که به ظاهر، شرح استرآبادی را دیده بوده است خاطر نشان کرده که وی در آغاز شرحش تصریح نموده متن واجب الاعتقاد که شرح می‌کند، تألیف فخر المحققین است.^۸ بر این اساس، گاه در پاره‌ای مأخذ، رساله واجب الاعتقاد

۲. خانم زاینه اشمیتکه در کتاب الهیات علامه حلی (Schmidke, Sabine. *The Theology of al-'Allama al-Hilli* (d. 726/1325). Berlin: Klaus Schwarz, 1991)، ص ۵۳ خاطر نشان کرده‌اند که نام این رساله، در برخی از نسخه‌های خلاصه الأقوال نیامده است و ظاهراً بعدها به بعضی از نسخه‌های این اثر اضافه شده است. (نیز نگرید به ترجمه فارسی این اثر اشمیتکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ترجمه احمد نمایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ ش، ص ۶۰). متأسفانه چون تصحیح منقحی از خلاصه الأقوال در دسترس نداریم، دوری در این خصوص اکنون امکان پذیر نیست.

۳. حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، تحقیق: جواد قتیومی، مؤسسة النشر الفقهی، قم، ۱۴۱۷ ه.ق، ص ۱۱۳.
۴. نگرید: همو، أجوبة المسائل المهنية، صص ۱۵۵، ۱۵۶. نیز نگرید همین اجازه را در مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۰۴، ص ۱۴۸.
۵. چنانکه خانم اشمیتکه احتمال داده‌اند، علامه در این اجازه خود تنها به آثاری اشاره کرده است که مناسب تدریس بوده و از این رو نامی از کتابهای جدلی یا رساله‌های کم اهمیت به میان نیآورده است (نگرید: اشمیتکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ص ۵۲). بنابراین طبیعی است که علامه در اجازه یادشده، از ذکر رساله کم حجمی همچون واجب الاعتقاد چشم پوشی کرده باشد.
۶. حلی، حسن بن یوسف، أجوبة المسائل المهنية، ص ۱۲۵.

۷. نگرید: تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲۵، ص ۵.
۸. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۵، صص ۷۸ - ۷۹؛ همو، تعلیقة أمل الأمل، تدوین و تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله

در انتساب رساله واجب الاعتقاد به علامه حلی تردیدی نیست؛ زیرا او در خلاصه الأقوال - دست کم بر اساس برخی از نسخ آن - از این رساله، در زمره تألیفات خودش یاد کرده است. علامه در اجازه‌ای که برای مهن بن سنان صادر کرده است از این اعتقادیه هیچ نام نبرده است، ولی چنانکه پیشتر بیان شد، نام رساله واجب الاعتقاد در ضمن پرسش و پاسخهای مطرح در این کتاب برده شده است و علامه انتساب آن را به خود تأیید کرده است.

را استوار کرده باشد؛ از این رو، پیش از آشنایی با احکام شرعی، باید اعتقادنامه‌ای هر چند مختصر، در اختیار او نهاد تا با باورهای شیعی آشنا گردد. از این دست نگارش‌ها، نمونه‌هایی را می‌توان نام برد که از آن جمله است:

۱) کتاب الهدایة تألیف شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه.ق)^{۱۲}، که چهار باب نخست کتاب، حاوی مباحث عقیدتی فشرده درباره توحید و عدل، بُبُوت، امامت و معرفت ائمه اثنی عشر است، و در ادامه، ابواب فقهی بطور نسبتاً مبسوط مطرح شده است.

۲) کتاب المُقنعة نوشته شیخ مفید (م ۴۱۳ ه.ق)^{۱۳}، که در پنج باب نخست این کتاب، چکیده‌ای از معتقدات شیعی در باب خداوند و صفات او، پیامبران، امامت، ولایت اولیاء خدا و معاد بیان شده است و پس از آن، به تفصیل، مسائل شرعی تبیین گردیده است.

۳) رساله جُمَل العلم والعمل تألیف شریف مرتضی (م ۴۳۶ ه.ق)^{۱۴}، که در چهار باب اول این رساله، واجبات علمی و اعتقادی در خصوص توحید، عدل، بُبُوت و امامت مجال طرح یافته و در پی آن، واجبات فقهی و عملی ذکر شده است.

۴) الاقتصاد فیما یجب علی العباد از شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی (م ۴۶۰ ه.ق)^{۱۵}، که کتابیست نسبتاً مبسوط در شش بخش. در این کتاب، مسائل اعتقادی، بسیار درازدامن تراز مسائل فقهی مطرح شده است بطوری که پنج قسم نخست آن به طرح مباحث اعتقادی، و بخش ششم آن به بیان احکام شرعی اختصاص یافته است.

۵) الکافی فی التکلیف (الفقه) نگاشته تقی الدین ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ ه.ق)^{۱۶}، که در سه بخش تکلیف عقلی، تکلیف سمعی و مستحق بالتکلیف به نگارش درآمده است. حلبی در بخش تکلیف عقلی، که مختصرتر از بخش تکلیف سمعی است، به تقریر موضوعات عقیدتی در دو فصل توحید و عدل (که شامل بُبُوت و امامت هم می‌شود) پرداخته است. پس از آن، حلبی در قسمت تکلیف سمعی یک دوره احکام شرعی عملی را بازگو کرده است و در نهایت، مبحث معاد و جزای اخروی را زیر عنوان «المستحق بالتکلیف و احکامه» مطرح نموده است.

علامه را در قیاس با واجب الاعتقاد الکبیر فخر المحققین، با وصف «صغیر» توصیف کرده‌اند.^۹

۲. تاریخ نگارش

با توجه به تصرفات و افزایش‌هایی که در نسخه‌های کتاب خلاصه الأفتوال در خصوص ذکر عناوین آثار - از سوی خود علامه یا دیگران - صورت گرفته است^{۱۰} نمی‌توان به استناد اینکه نام رساله واجب الاعتقاد در این کتاب برده شده است، نتیجه گرفت که رساله واجب الاعتقاد پیش از سال ۶۹۳ ه.ق (یعنی همان سالی که علامه، فهرست آثار خودش را در خلاصه الأفتوال درج کرده است)^{۱۱} نوشته شده است. از ارجاعات بینامتنی علامه هم برای تعیین تاریخ دقیق نگارش واجب الاعتقاد چندان کمک خاصی نمی‌توان گرفت؛ زیرا از این رساله - تا آنجا که اکنون می‌دانیم - فقط یکبار در أجوبة المسائل المهنائية یاد شده است، و براین اساس فقط می‌توان فهمید که واجب الاعتقاد پیش از تاریخ تدوین أجوبة المسائل المهنائية در حدود سال ۷۲۰ ه.ق نوشته شده بوده است.

۳. ساختار

رساله واجب الاعتقاد در دو بخش تدوین شده است: بخش نخست آن یک اعتقادنامه امامی مختصر در چند صفحه است که گزیده‌ای از باورهای شیعی از توحید تا عدل و بُبُوت و امامت (عجیب است که از اعتقاد به اصل معاد در هیچ جای رساله سخن به میان نیامده است) در آن بیان شده است، و بخش دوم آن مشتمل است بر ذکر احکام فقهی واجب بر طبق مسلک امامیه. بنابراین واجب الاعتقاد یک ساختار دو بخشی کلامی - فقهی دارد که این ساختار، پیشینه‌ای بلند در تاریخ نگاشته‌های کلامی امامیه داشته است. در واقع، بررسی مکتوبات فقهی - کلامی بازمانده از قرن چهارم و پنجم هجری قمری به بعد نشان می‌دهد که نگارش آثاری در دو قسمت اعتقادات (فقه اکبر) و احکام (فقه اصغر) که بطور خلاصه - و البته در مواردی، به نحو مبسوط - اصول اعتقادی و احکام اصلی و اساسی فقهی را دربر داشته باشد و تکلیف مؤمنان را در دو عرصه باورها و کردارها (یا همان احکام عملی) روشن نماید، همواره مورد عنایت و اهتمام متکلمان فقیه امامی بوده است. در این سبک از نوشته‌ها گاه بخش فقهی، بسیار مبسوط‌تر از بخش کلامی به نگارش درآمده است، ولی به هر روی، بخش کلامی و اعتقادی، هر چند مختصر، به عنوان مقدمه این رساله‌ها در نظر گرفته شده است. دلیل این امر البته واضح است: از نگاه فقیهان متکلم، مکلف پیش از آنکه به انجام اعمال عبادی بپردازد باید اعتقاداتش

۹. العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۲۶۳.

۱۰. نگرید: همو، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۱، ج ۱، ص ۳۸۰.

۱۱. در این خصوص نگرید به: انشمینکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلبی، صص ۵۲، ۵۱.

۱۲. نگرید به: حلبی، حسن بن یوسف، خلاصه الأفتوال فی معرفة الرجال، ص ۱۱۰.

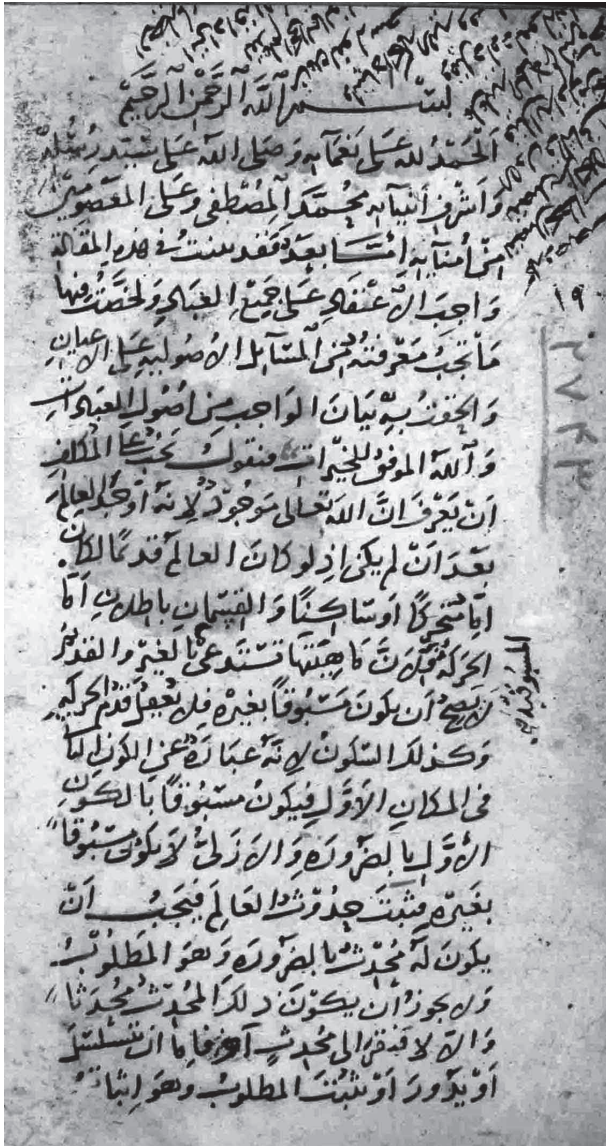
۱۲. نگرید: ابن بابویه قمی، محمد بن علی، الهدایة، مؤسسة الإمام الهادی علیه السلام، الطبعة الثانية، ۱۳۸۴ ش، قم.

۱۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المُقنعة، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۷ ق، قم.

۱۴. شریف مرتضی، جُمَل العلم والعمل، چاپ شده در: رسائل الشریف المرتضی، اعداد: السيد مهدی رجائی، المجموعة الثالثة، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق، قم.

۱۵. طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد فیما یجب علی العباد، تحقیق: سید محمد کاظم موسوی، دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق، قم.

۱۶. حلبی، تقی بن نجم، الکافی فی الفقه، تحقیق: رضا استادی، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش، قم.



تصویر ۱

و از این حیث، اهمیتی دوچندان دارد. شایسته است در ویراست جدید رساله، حرکت‌گذاری‌های این نسخه مورد توجه قرار گیرد و بطور کامل در طبع آن رعایت شود.

ب) نسخه شماره ۴۹۵۳/۱۱ که مجموعه‌ایست پراچ، حاوی رساله‌هایی ارجمند اغلب از علامه حلی و فخرالمحققین که برخی از آنها به خط سید خیدر آملی کتابت شده و در انتهای برخی از آنها إنهاء و اجازات فخرالمحققین به خط هم‌آمده است (نک: تصویر شماره ۲).^{۱۱} رساله‌های این مجموعه خطی در قرن هشتم هجری قمری کتابت شده است ولی نام کتاب و تاریخ کتابت رساله واجب الاعتقاد در ترقیمه (انجامه) آن قید نشده است.

۱۱. درباره اجازات فخرالمحققین در این نسخه رجوع کنید به مقاله آقای دکتر حسن انصاری با عنوان «یک دانشمند شیعی در عصر شاه شیخ ابواسحاق اینجو» منتشر شده در سایت کاتبان به نشانی:

<http://ansari.kateban.com/post/2015>

۶) اشاره السبق إلى معرفة الحق نوشته ابن ابی المجد حلبی (م قرن ششم)^{۱۷}، که در دو قسمت تکلیف عقلی و تکلیف شرعی تدوین یافته است. در نیمه نخست این کتاب مختصر، ارکان اعتقادی چهارگانه (توحید، عدل [شامل معاد]، نبوت و امامت) تشریح شده است و در نیمه دوم آن، دوره‌های کامل ولی مجمل از احکام فقهی طرح گردیده است.

موارد پیشگفته نشان می‌دهد که یکی از سبک‌های نگارشی مشهور در میان دانشوران امامی در زمینه مسائل اعتقادی، نگاشته‌های دو بخشی کلامی - فقهی بوده است. گذشته از موارد یادشده، نمونه‌های متعدّد دیگری را هم می‌توان برای این سبک تألیفات ذکر کرد. اگر چه مطالب کلامی مطرح در این سبک نوشته‌ها بطور معمول، مختصر است و صرفاً به منظور آشنایی مکلفان با باورهای شیعی به رشته تحریر درآمده است و از همین رو، چندان آمیخته با مباحث عمیق و فرعی کلامی نیست، رجوع به آنها در تحقیقات و پژوهش‌های کلامی ضروری و اغلب، سودمند است. دست کم، گزاره‌های طرح شده در این اعتقادنامه‌ها بیانگر ضروریات اعتقادی از منظر نویسندگان آنهاست و از همین حیث، در مطالعه تاریخ تطوّر اندیشه‌ها و باورهای کلامی شایان اعتنا هستند.

۴. نسخه‌ها

از رساله واجب الاعتقاد علی جمیع العباد نسخه‌های متعدّدی برجامانده است.^{۱۸} تنها در فهرست فنخا ۵۲ نسخه از این اثر معرفی شده است.^{۱۹}

دو نسخه کهن از واجب الاعتقاد در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که هر دو حائز اهمیت است و مع الأسف تاکنون در تصحیح این رساله مورد استفاده قرار نگرفته است:

الف) نسخه شماره ۸۸۹۲/۲ که در ضمن مجموعه‌ای است ارزشمند به خط جمال الدین احمد بن محمد بن حدّاد حلی^{۲۰} از شاگردان علامه حلی (نک: تصویر شماره ۱). در پایان رساله واجب الاعتقاد تاریخی ذکر نشده است؛ اما با توجه به تاریخ کتابت رساله بعدی این مجموعه، یعنی رساله فی معرفة واجب الصلاة و صفتهاز علامه حلی که به دست همان کاتب در ذی القعدة سال ۷۴۶ هجری قمری استنساخ شده است، می‌توان دریافت که زمان کتابت رساله واجب الاعتقاد احتمالاً اندکی پیشتر از این تاریخ بوده است. متن رساله واجب الاعتقاد در این نسخه کاملاً مشکول و حرکت‌گذاری شده است

۱۷. حلبی، ابوالحسن علی بن حسن، اشاره السبق، تحقیق: ابراهیم بهادری، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴، ق. قم.

۱۸. نگرید: الطباطبائی، السید عبد العزیز، مکتبه العلامة الحلی، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۶ هـ، ص ۲۱۸.

۱۹. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فینخا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۳ هـ، ج ۳، صص ۶۰ - ۶۳.

۲۰. در باب او نگاه کنید به: آقا بزرگ پهرانی، طبقات أعلام الشيعة، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۳۰ هـ، بیروت، ج ۵، ص ۱۱.

۵. ترجمه رساله

آقای دکتر عبدالحسین طالعی در کتاب فقیه حله، ترجمه فارسی گزیده‌ای از رساله واجب الاعتقاد را فراهم آورده‌اند.^{۲۲} برگردان ایشان، به هیچ روی ترجمه‌ای دقیق از رساله نیست؛ زیرا گذشته از آنکه مبتنی بر چاپ مغلوپ آقای شیخ محمد رضا انصاری از اثر است، به ابتکار خود هر جای رساله را هم که صلاح دیده‌اند حذف کرده یا به دلخواه خویش ترجمه کرده‌اند! آیا یک رساله دو سه صفحه‌ای باز نیاز به تلخیص دارد؟ البته، در اینجا به قول معروف باید گفت: «همه چیزمان به همه چیزمان می‌آید»، این ترجمه نابسامان با آن تصحیح پریشان، همساز و همخوان است! فقط مشکل آنست که نه آن تصحیح و نه این ترجمه، هیچکدام با متن مکتوب علامه حلی به نام واجب الاعتقاد چندان هماهنگ نیست!

در ادامه، نمونه‌هایی از اغلاط این ترجمه را برمی‌رسیم: الف) متن رساله، ص ۵۱: «و یجب أن یعتقد أنه تعالی واجب الوجود، لأنه لو كان ممکن الوجود لافتقر الی مؤثر، فاقماً أن یدور، أو یتسلسل، أو ینتهی الی واجب الوجود، و هو المطلوب.»

ترجمه مترجم، ص ۱۹۳: «باید بدانیم که خدای تعالی مانند آفریدگان نیست، چون در این صورت، در صفت نیازمندی و فقر نیز با آنان اشتراک می‌یافت.»

ترجمه پیشنهادی: «باید باور داشت که خدای تعالی واجب الوجود است، زیرا اگر ممکن الوجود بود هرآینه نیازمند به علت و مؤثری بود، پس یا دور پیش می‌آید یا تسلسل یا [زنجیره ممکنات] به واجب الوجود ختم می‌شود که همان مطلوب است.»

خوانندگان ارجمند خود قضاوت کنند که چه نسبتی میان این ترجمه‌ها و متن عربی برقرار است؟ چرا در برگردان مترجم، عبارت «فاقماً أن یدور، أو یتسلسل، أو ینتهی الی واجب الوجود» ترجمه نشده است؟

ب) متن رساله، ص ۵۲: «و یجب أن یعتقد أنه تعالی قادر علی کل مقدور، و عالم بکل معلوم، لأن نسبة المقدورات و المعلومات الیه بالتشویة، لأن مقتضی إسناد الأشياء الیه هو الإمكان، و جمیع الأشياء مشترکة فی هذا المعنی، و لیس علمه تعالی ببعض الأشياء اولی من علمه ببعض الآخر، فاقماً أن لا یعلم شیئاً منها، و قد بینا استحالتة، أو یعلم البعض دون البعض، و هو ترجیح من غیر مرجح، أو یعلم الجمیع، و هو المطلوب.»

ترجمه مترجم، ص ۱۹۳: «باید بدانیم که خداوند بر هر امر مقدور، تواناست و نسبت به هر معلوم عالم است، مقدورات و معلومات در برابر او یکسانند، زیرا همه در برابر او نیازمند و فقیرند.»

ترجمه پیشنهادی: «باید باور داشت که خدای تعالی بر هر چه شدنی باشد تواناست و به هر چه دانستنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله على نوابه وصلى الله على سدرته واشرف أسائه محمد المصطفى وعلى المعصومين من
 آله وأئمة وصعدت في هذه المقالة واجب الاعتقاد على وجه العبادة والخضوع لها
 ما يجب من فهم المسائل الأصولية على الأعيان والحقق به ما نال الواجب من أصول العبادات
 والله الموفق للظن فيقول: يجب على المتكلم أن يعرف أن الله تعالى موجود لا نه
 اوجود العالم بعد أن لم يكن إذ لو كان العالم قديماً لكان أمّا متجراً أو ساكناً والقسمان باطلان
 إما الحركة فلا يهاهنا مستدعي المستدعي بالغير والقدم لا يصح أن يكون متبوعاً بالغير
 فلا يعقل قدم الحركة وكذلك المستكون لأنه عبارة عن الكون الماني في المكان الأول
 مستكون متبوعاً بالكون اللادول بالضرورة واللازمي لا يكون متبوعاً بغيره فثبت حدوث
 العالم فثبت أن يكون له محدث بالضرورة وهو المطلوب ولا يجوز أن يكون ذلك المحدث
 محدثاً والا لا يصح الی محدث آخر فإنا إن دورا و تسلسل أو ثبت المطلوب وهو اثبات
 مؤثر عن محدث والتسلسل والدور باطلان فثبت المطلوب ويجب أن تصدق
 أنه تعالى واجب الوجود لأنه لو كان ممكن الوجود لافتقر الی مؤثر فاقماً أن یدور و
 یتسلسل أو ینتهی الی واجب الوجود وهو المطلوب ويجب أن تصدق أنه تعالى قد
 ادنی بان ابدی لأنه لو جار علیه العدم لم يكن واجب الوجود وقد ثبت أنه واجب الوجود
 ويجب أن یعتقد أنه تعالی قادر لأنه لو كان موجبا لنه قدیم العالم لا یحکمه افعال
 المعلول عن علته وقد بینا ان العالم محدث ويجب ان تصدق انه عالم لأنه فعل الافعال
 المحکمه المقتنه وكل من كان كذلك كان عالماً بالضرورة ويجب ان یعتقد انه تعالی حی
 لان معنی الحی هو الذی یصح من ان یقدر ویعلم وقد بینا انه تعالی قادر عالم فیکون حیاً
 بالضرورة ويجب ان یعلم انه تعالی قاهر علی کل مقدور ولعالم بکل معلوم لان نسبة المعلوم
 وان البره علی المنوید لان مقتضی الاستناد للاشیاء الیه هو الإمكان وجمیع الاشیاء مشترکة

تصویر ۲

۲۲. طالعی، عبدالحسین، فقیه حله (مروری بر زندگی و آثار علامه حلی)، انتشارات همشهری، ۱۳۹۲ ش، تهران، صص ۱۹۱ - ۱۹۶.

باشد آگاه است، چون نسبت مقدورات و معلومات به او یکسان است، به این دلیل که آنچه مقتضی ربط و اسناد اشیاء به خداوند است ممکن بودن آنهاست، و تمام اشیاء در این امر [یعنی ممکن بودن] مشترکند، و علم او به برخی اشیاء هیچ برتری نسبت به علم او به اشیاء دیگر ندارد، پس یا باید به هیچ یک از اشیاء علم نداشته باشد، که مُحال بودن این امر را بیان کردیم، یا به بعضی از اشیاء آگاه باشد و از برخی دیگر ناآگاه، که این امر ترجیح بدون مرجح است، یا اینکه از همه اشیاء آگاه باشد که همین مطلوب است.»

ملاحظه می‌فرمایید که ترجمه عبارت «لأن مقتضى إسناد الأشياء إليه هو الإمكان، وجميع الأشياء مشتركة في هذا المعنى، وليس علمه تعالى ببعض الأشياء أولى من علمه ببعض الآخر، فإما أن لا يعلم شيئاً منها، وقد بينا استحالتها، أو يعلم البعض دون البعض، وهو ترجيح من غير مرجح، أو يعلم الجميع، وهو المطلوب» در برگردان مترجم، از قلم افتاده است! شاید هم اینجا دست به گزینش زده‌اند و از میان استدلال به ناگاه چند گزاره را حذف کرده‌اند؟ آیا این گزینش مضرّ و مخلّ به معنای عبارت نیست؟ خواننده نگون بخت چطور باید ربط میان دو جمله «مقدورات و معلومات در برابر او یکسانند» و «زیرا همه در برابر او نیازمند و فقیرند» را دریابد؟

ج) متن رساله، ص ۵۲: «و يجب أن يعتقد أنه تعالى مرید، لأنه أمر بالطاعة على جميع العباد فيكون مریداً لها، ولأن نسبة الحدوث إلى جميع الأوقات بالسوية، فلا بد من مخصّص وهو الإرادة.»

ترجمه مترجم، ص ۱۹۴: «باید بدانیم که خدای تعالی اراده دارد و بندگان را به طاعت و عبادت امر فرموده است.»

ترجمه پیشنهادی: «باید باور داشت که خدای تعالی خواهنده و صاحب اراده است، زیرا او همه بندگان را به فرمانبرداری امر کرده است، پس خواهنده فرمانبری است، و به این دلیل که نسبت پیدائی [اشیاء] به تمام زمانها یکسان است، پس چاره‌ای از آنچه خاص می‌گرداند نیست، و آن، همان اراده است.»

در ترجمه این فقره نیز ترجمان از برگردان عبارت «لأن نسبة الحدوث إلى جميع الأوقات بالسوية، فلا بد من مخصّص وهو الإرادة» سرباز زده است و افزون بر این، معنای تعلیل مستفاد از کلمه «لأنه» را هم در ترجمه خود نیآورده‌اند.

به غیر از موارد پیشگفته، نمونه‌های فراوان دیگری هم در برگردان آقای طالعی دیده می‌شود که ترجمه عبارات، همچون نمونه‌های یادشده، آشفته و معیوب و مغلوط است؛ اما همین اندازه به گمانم میزان و پایه استواری برگردان ایشان را نشان می‌دهد و بیش از این، سخن در این باب نمی‌گوییم.

۶. شروح

بر رساله واجب الاعتقاد شروح چندی نیز نوشته شده است که این امر حاکی از اقبال عالمان شیعی به آن است. در ادامه، مهمترین شروح این رساله را برمی‌شماریم:

۱) الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد از شمس الدین محمد بن صدقه.

بدون شک مشهورترین و مهمترین شرح نگاشته شده بر رساله واجب الاعتقاد، کتاب الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد است. شرح، شامل هر دو بخش کلامی و فقهی رساله می‌شود و در میان شروح واجب الاعتقاد، احتمالاً مبسوط‌ترین آنها نیز به حساب می‌آید. تاریخ تألیف این اثر به نحو دقیق معلوم نیست؛ اما از آنجا که شارح از ماتن، یعنی علامه حلی، با عبارات تحمیمی یاد می‌کند معلوم می‌شود که شرح پس از درگذشت علامه در سال ۷۲۶ هجری قمری نوشته شده است. همچنین نظریه اینکه شارح در مبحث «تسلیم» نماز، از فرزند علامه، جناب فخر المحققین همراه با عبارت دعائی «ادام الله أيامه» نام برده

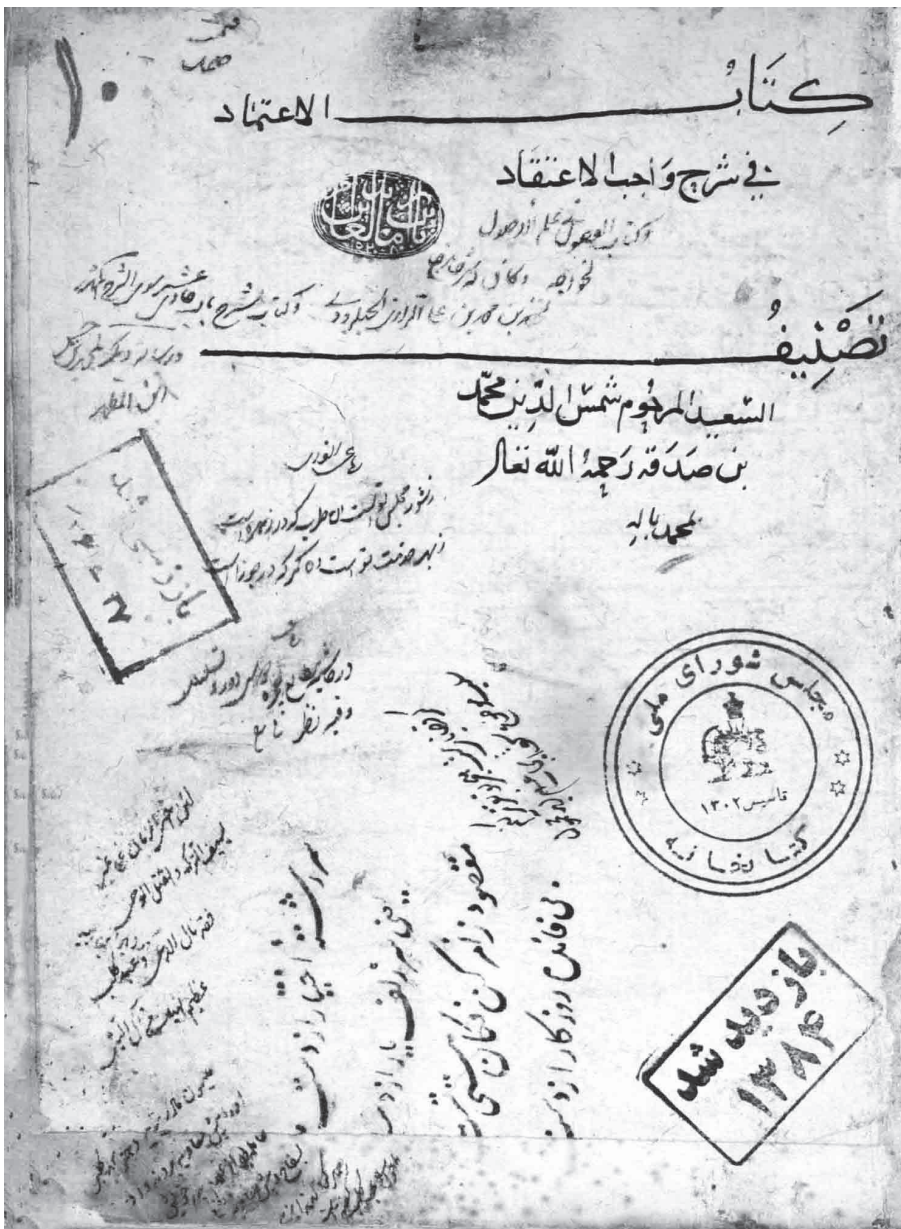
با توجه به تصرّفات و افزایش‌هایی که در نسخه‌های کتاب خلاصه الأقوال در خصوص ذکر عناوین آثار - از سوی خود علامه یا دیگران - صورت گرفته است نمی‌توان به استناد اینکه نام رساله واجب الاعتقاد در این کتاب برده شده است، نتیجه گرفت که رساله واجب الاعتقاد پیش از سال ۶۹۳ ه.ق (یعنی همان سالی که علامه، فهرست آثار خودش را در خلاصه الأقوال درج کرده است) نوشته شده است.

است،^{۲۳} می‌توان فهمید که این اثر در زمان حیات فخرالمحققین، یعنی تا پیش از وفات او در سال ۷۷۱ ه.ق به رشته تحریر درآمده است.

در منابع و کتب تراجم نگارش الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد به فاضل مقداد سیوری (م ۸۲۶ ه.ق) نسبت داده شده است و در هر دو چاپ اثر هم، کتاب به نام هم منتشر شده است، در حالی که این شرح، نوشته فاضل مقداد نیست. در واقع چنانکه آقای دکتر انصاری تذکار داده‌اند^{۲۴}، بر اساس صفحه عنوان نسخه کهن کتاب الاعتماد که به شماره ۱۰۷۰۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (نک: تصویر شماره ۳)، این اثر، تألیف شمس الدین محمد بن صدقه حلی شاگرد فخرالمحققین (م ۷۷۱ ه.ق) و نصیرالدین کاشی (م ۷۵۵ ه.ق) است که آن را در زمان حیات استادش فخرالمحققین نگاشته است.

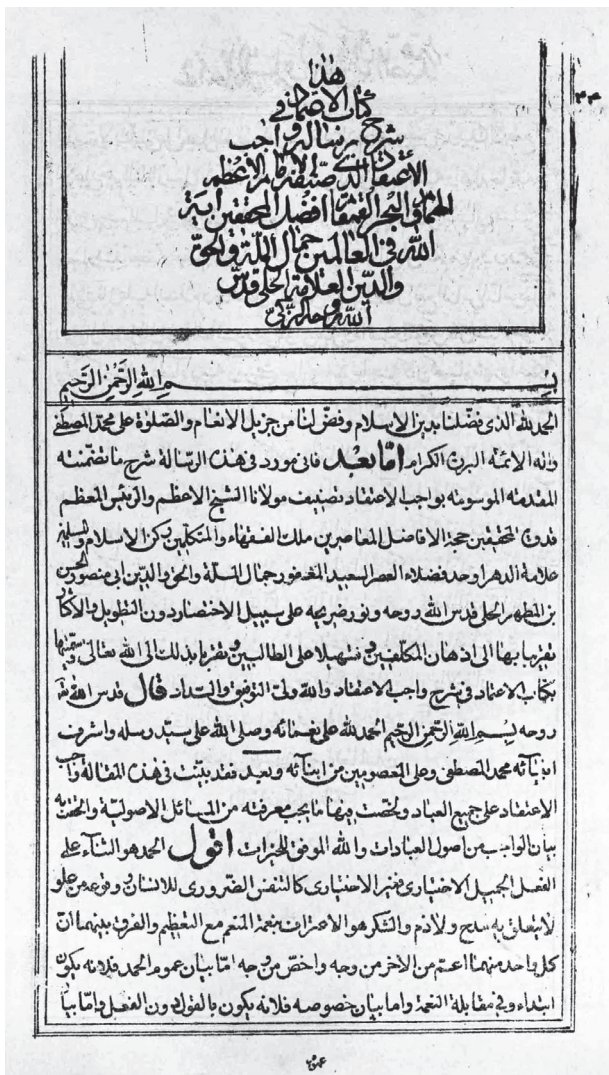
الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد تاکنون دست کم دو مرتبه به چاپ رسیده است:

۲۳. الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، تحقیق: صفاء الدین البصری، ص ۱۱۵.
 ۲۴. در این خصوص نگریه به: انصاری، حسن، از گنجینه‌های نسخ خطی، دفتر نخست، مقاله «الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد: اثری از مقداد سیوری یا از شمس الدین محمد بن صدقه؟»، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان، ۱۳۹۴ ش، صص ۸۸ - ۹۶.



تصویر ۳

دون شک مشهورترین و مهمترین شرح نگاشته شده بر رساله واجب الاعتقاد، کتاب الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد است. شرح، شامل هر دو بخش کلامی و فقهی رساله می‌شود و در میان شروح واجب الاعتقاد، احتمالاً مبسوط‌ترین آنها نیز به حساب می‌آید. تاریخ تألیف این اثر به نحو دقیق معلوم نیست؛ اما از آنجا که شارح از ماتن، یعنی علامه حلی، با عبارات ترحیمی یاد می‌کند معلوم می‌شود که شرح پس از درگذشت علامه در سال ۷۲۶ هجری قمری نوشته شده است.



۱) بصورت چاپ سنگی در مجموعه کلمات المحققین، طهران، ۱۳۱۵ هـ.ق، صص ۴۴ - ۸۶ و اُفست آن در: مکتبه المفید، قم، ۱۴۰۲ هـ.ق، صص ۳۸۰ - ۴۲۲ (نک: تصویر شماره ۴).

۲) چاپ حروفی به تصحیح صفاء الدین البصری، مجمع البحوث الإسلامیة التابع للآستانة الرضویة المقدّسة، مشهد، ۱۴۱۲ هـ.ق.

چاپ حروفی الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد بر بنیاد چاپ سنگی آن و همچنین نسخه موجود در کتابخانه مسجد گوهر شاد به شماره ۸۹۰ مورخ ۱۰۷۳ هـ.ق انجام گرفته است. هم اکنون دو نسخه دیگر از این شرح شناخته شده است^{۲۵}:

الف) نسخه شماره ۱۰۷۰۶/۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابت شده در ۱۵ شوال ۸۲۱ هـ.ق.

ب) نسخه شماره ۱۱۷/۱ کتابخانه آیه الله گلپایگانی در گلپایگان با تاریخ کتابت ۸۶۴ هـ.ق.

لازم است این شرح، بار دیگر، بر اساس این دو نسخه کهن و حائز اهمیت و با انتساب درست به نویسنده واقعی اش، یعنی شمس الدین محمد بن صدقه، تصحیح و منتشر شود.

شایان ذکر است در برخی مصادر، از شرح فاضل مقداد (م ۸۲۶ هـ.ق) بر واجب الاعتقاد زیر عنوان «مهج السداد فی شرح واجب الاعتقاد»^{۲۶}، «منهاج السداد فی شرح واجب الاعتقاد»^{۲۷}، یا «نهج السداد فی شرح واجب الاعتقاد»^{۲۸} یاد شده است که احتمالاً همان شرح عبدالواحد بن صفی نعمانی است که به غلط به فاضل مقداد نسبت داده شده است.^{۲۹} بنابراین فاضل مقداد هیچ شرحی بر رساله واجب الاعتقاد علامه ننوشته بوده است و الاعتماد و دیگر شروحاتی که به او نسبت داده شده است هیچیک حقیقتاً از آن او نیست.

۲) نهج السداد الی شرح واجب الاعتقاد نوشته عبدالواحد بن صفی نعمانی (قرن ۹ هجری قمری).

این شرح، در برخی منابع با عنوان «نهج السداد فی شرح رساله واجب الاعتقاد» معرفی شده است. عبدالواحد از شاگردان شهید اول یا شاگرد

شاگردان او بوده است و فقط بخش اعتقادی رساله واجب الاعتقاد را شرح کرده است.^{۳۰} شیخ آقا بزرگ تهرانی دو نسخه از این شرح را که در سالهای ۸۳۱ و ۸۹۶ هـ.ق کتابت گردیده، از نزدیک دیده بوده است.^{۳۱} این شرح تا آنجا که مژگن چاپ نشده است؛ ولی از برای آن، نسخ خطی متعددی موجود است.^{۳۲}

۳) شرح واجب الاعتقاد از جلال الدین ابوالعز عبد الله بن مولی سعید شرف الدین شرف شاه حسینی (م قرن نهم هجری قمری).

نویسنده در این شرح فقط بخش کلامی رساله را تشریح کرده است. اثر یاد شده یکبار با عنوان شرحی از عالمی ناشناس منتشر شده است.^{۳۳}

۳۰. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۳، ص ۲۷۹.

۳۱. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱۴، ص ۱۶۳ - ۱۶۴ و ج ۲۴، ص ۴۱۸، همو، طبقات اعلام الشیعة، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ هـ.ق، بیروت، ج ۶، ص ۸۳.

۳۲. نگریید: درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۱ هـ.ش، ج ۳، صص ۹۸۴ - ۹۸۵.

۳۳. نگریید: سبحانی، جعفر، رسائل و مقالات، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۸ هـ.ق، قم.

۲۵. نگریید: درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۰ هـ.ش، ج ۴، ص ۴۶۳.

۲۶. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰ هـ.ق، ج ۷، ص ۱۷۲.

۲۷. امین، حسن، مستدرکات أعیان الشیعة، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲۸. بغدادی، اسماعیل، ایضاح المکنون، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ص ۶۹۴؛ همو، هدیه العارفین، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۵۱ م، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲۹. صدر، حسن، تکملة أمل الأهل، تحقیق: عبدالکریم دباغ، دارالمؤرخ العربی، بیروت، ۱۴۲۹ هـ.ق، ج ۶، ص ۷۰.



تصویر ۵

آقا بزرگ تهرانی از شرحی بر واجب الاعتقاد به قلم عالمی ناشناس سخن به میان آورده که در یک مجموعه خطی مورخ ۸۵۵ ه.ق همراه با نهج السداد نعمانی موجود است.^{۳۴} بنا به قرائنی، احتمال دارد این شرح، نسخه‌ای از همین شرح جلال‌الدین ابوالعزیز عبدالله شرف شاه حسینی باشد. درباره این اثر و انتساب آن به جلال‌الدین ابوالعزیز عبدالله شرف شاه حسینی و نسخ بازمانده از آن - إن شاء الله - در مقاله نگرشی بر نگارش های کلامی (۶) توضیح کافی خواهم داد.

(۴) تحصیل السداد فی شرح واجب الاعتقاد تألیف ظهیر الدین ابراهیم بن علی بن عبد العالی مفلح المیسی‌العاملی (م ۹۷۹ ه.ق).^{۳۵}

در برخی منابع، از تحصیل السداد در زمرة تألیفات علامه حلی نام برده شده است^{۳۶} که البته صحیح نیست. شرح مشتمل بر توضیح عبارات کل رساله بر سبک «قوله أقول» است (نک: تصویر شماره ۵). در پایان شرح، نویسنده برای فرزندش عبدالکریم اندرزنامه و وصیتی اخلاقی نگاشته است. این شرح به چاپ نرسیده است؛ ولی دو نسخه از آن در فهرست فنخامعرفی شده است.^{۳۷} قدیمترین نسخه آن، دست

الجزء السادس، صص ۷۲ - ۹۸.

۳۴. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

۳۵. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۴، ص ۱۶۴؛ همو، طبقات أعلام الشيعة، ج ۷، ص ۶؛ سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۱۸ ه.ق، قم، ج ۱۰، ص ۱۷؛ معجم طبقات المتكلمين، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳۶. برای نمونه نگرید به: امین، محسن، أعيان الشيعة، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ه.ق، بیروت، ج ۵، ص ۴۰۵ (در اینجا گفته شده که تحصیل السداد همراه با واجب الاعتقاد به چاپ رسیده است: «تحصیل السداد شرح واجب الاعتقاد المذكور مطبوع معه». ولی راقم این سطور نشانی بر این امر نیافت)؛ مقدمه أجوبة المسائل المهنية، نوشته: محی الدین الممقانی، مطبعة الخيام، قم، ۱۴۰۱ ه.ق، ص ۹؛ مقدمه إحقاق الحق وإزهاق الباطل، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱، ص ۵۴.

۳۷. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخَا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۱ ه.ش، ج ۷، ص ۲۴۱.

نوشت موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۵۶۶۸/۳ مورخ قرن یازدهم هجری قمری است.

(۵) فوائد الاعتقاد في شرح واجب الاعتقاد.

نویسنده اثر، شناخته شده نیست و این شرح نیز تاکنون منتشر نشده است. نسخه‌ای از آن به شماره ۱۶۱۶/۲ در کتابخانه ملی ملک موجود است. طبق گزارش برخی منابع، تاریخ کتابت این دست‌نوشته سال ۹۷۱ ه.ق است^{۳۸}؛ ولی در بعضی مآخذ دیگر، تاریخ جمادی الأولى سال ۱۰۰۱ ه.ق برای زمان استنساخ آن ذکر شده است.^{۳۹}

(۶) شرح واجب الاعتقاد تألیف شیخ حسین بن علی بن حسین بن ابی سروال الأوالی البحرانی (زنده در ۹۵۶ ه.ق).^{۴۰}

اوشاگرد محقق کرکی (م ۹۴۰ ه.ق) بوده است.^{۴۱} شرح مذکور هنوز به طبع نرسیده است؛ اما بنا به گزارش علامه سید محسن امین، نسخه‌ای از آن در کتابخانه آقا فخرالدین از نوادگان علامه وحید بهبهانی در کرمانشاه موجود بوده است.^{۴۲}

(۷) ارشاد العباد في كشف واجب الاعتقاد نوشته عبدالمطلب بن فخرالدین فراء مسیبی.^{۴۳}

شیخ آقا بزرگ تهرانی از آن با عنوان «مرشد العباد في كشف واجب الاعتقاد» یاد کرده است.^{۴۴} این اثر، ترجمه و شرحی فارسی است بر رساله واجب الاعتقاد. ارشاد (مرشد) العباد تاکنون منتشر نشده است؛ اما یک نسخه خطی از آن با تاریخ کتابت ۱۰۸۳ ه.ق موجود است.^{۴۵}

(۸) موجب النجاة في الحياة والممات نگاشته حسن بن عبدالحق تونی (قرن ۱۲ هجری قمری).

درباره شارح آگاهی‌های چندانی در دست نداریم. شرح فقط شامل بخش کلامی رساله است. احتمال می‌رود که این شرح در سال ۱۱۱۴ ه.ق تألیف شده باشد.^{۴۶} موجب النجاة تا به امروز چاپ نشده است؛ ولی دست کم یک نسخه از آن برجای مانده است.^{۴۷}

(۹) نجاح العباد في شرح واجب الاعتقاد.^{۴۸}

شرحی مزجی است به زبان عربی بر رساله واجب الاعتقاد. شرح، شامل کل رساله اعم از بخش کلامی و فقهی می‌شود. دست‌نوشته‌ای از آن به شماره ۸۳۷۶/۱ مورخ ۱۲۸۸ ه.ق در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی محفوظ است.^{۴۹}

در منابع و کتب تراجم نگارش الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد به فاضل مقداد سیوری (م ۸۲۶ ه.ق) نسبت داده شده است و در هر دو چاپ اثر هم، کتاب به نام هم منتشر شده است، در حالی که این شرح، نوشته فاضل مقداد نیست. در واقع چنانکه آقای دکتر انصاری تذکار داده‌اند، بر اساس صفحه عنوان نسخه کهن کتاب الاعتماد که به شماره ۱۰۷۰۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

۳۸. الطباطبائی، السید عبد العزیز، مكتبة العلامة الحلی، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۲۲۰.

۳۹. درابئی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخَا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۱ ه.ش، ج ۲۳، ص ۶۹۴.

۴۰. سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۱۰، ص ۸۹؛ کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۶ ه.ق، بیروت، ج ۴، ص ۲۹.

۴۱. معجم طبقات المتكلمين، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۴ ه.ق، قم، ج ۳، ص ۲۸۳.

۴۲. نگرید: امین، سید محسن، أعيان الشيعة، دار التعارف، بیروت، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۲، ص ۲۱۴.

۴۳. معجم طبقات المتكلمين، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۴ ه.ق، قم، ج ۳، ص ۲۵۸.

۴۴. تهرانی، آقا بزرگ، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲۰، ص ۳۰۷.

۴۵. نگرید: درابئی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخَا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۰ ه.ش، ج ۳، ص ۹۷.

۴۶. نگرید: تبریزی، علی بن موسی، مرآة الکتب، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۲، ص ۴۳؛ الطباطبائی، السید عبد العزیز، مكتبة العلامة الحلی، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۲۲۰.

۴۷. نگرید: درابئی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخَا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۲ ه.ش، ج ۳۲، ص ۵۰۰.

۴۸. الطباطبائی، السید عبد العزیز، مكتبة العلامة الحلی، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۲۲۰.

۴۹. درابئی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فَنخَا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۳ ه.ش،

۷. حواشی

دست‌نوشته‌ی با عنوان «حاشیه واجب الاعتقاد» در فهرست فنخاز نویسنده‌ای گمنام معرفی شده است^{۵۰} که معلوم نیست حاشیه بر کدام واجب الاعتقاد است؛ ولی احتمال قوی می‌رود که حاشیه بر واجب الاعتقاد علامه حلی باشد. تاریخ کتابت نسخه، قرن دوازدهم هجری قمری است و هم‌اکنون به شماره ۱۸۲/۶ در کتابخانه دانشگاه اصفهان نگهداری می‌شود.

۸. چاپ‌ها

رساله واجب الاعتقاد تاکنون چندین بار بصورت سنگی و حروفی به چاپ رسیده است که در زیر، مشخصات برخی از آنها ارائه می‌گردد:

(۱) به انضمام تبصرة المتعلمین فی احکام الدین علامه حلی با تعلیقات و حواشی اسماعیل صدر اصفهانی (م ۱۳۳۷ ه.ق)؛ چاپ سنگی بمبئی^{۵۱}.

(۲) همراه با تبصرة المتعلمین فی احکام الدین علامه حلی به تصحیح میرزا عبدالحسین حائری (چاپ سنگی به خط طاهر خوشنویس) مطبوع در انتشارات اسلامیة تهران سال ۱۳۷۲ ه.ق، صص ۱۲۶ - ۱۲۷ (نک: تصویر شماره ۶).

این چاپ از رساله واجب الاعتقاد تنها حاوی بخش اعتقادی رساله تا آخر بحث امامت است و فاقد بخش فقهی آن است (احتمالاً به این دلیل که به ضمیمه تبصرة المتعلمین علامه حلی چاپ شده و با توجه به طرح مباحث فقهی مبسوط در تبصرة دیگر نیازی به طبع بخش فقهی مختصر رساله واجب الاعتقاد نبوده است).

چاپ یادشده، همراه با کاستی‌ها و اغلاط قابل توجه است. گذشته از افتادگی چهار پنج سطری خطبه علامه در ابتدای رساله، نادرستی‌ها و زوائد و نقصانهای بسیاری نیز دارد و از این رو، طبعی معتبر و قابل رجوع از رساله واجب الاعتقاد به شمار نمی‌آید.

(۳) به ضمیمه تبصرة المتعلمین فی احکام الدین علامه حلی به اهتمام سید محمد حسین حسینی جلالی چاپ شیکاگو، سال ۱۴۰۳ ه.ق^{۵۲}.

(۴) به تصحیح شیخ محمد رضا انصاری قمی، چاپ شده در: میراث

ج ۳۳، ص ۱۵۱.

۵۰. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۱ ه.ش، ج ۱۲، ص ۵۰۳.

۵۱. مشخصات بیشتر این چاپ را نگریه در:

http://dlib.ical.ir/faces/search/bibliographic/biblioFullView.jspx?_afPfm=-1aprl3c3t

۵۲. حسینی جلالی، سید محمد حسین، فهرس التراث، تدقیق و مراجعه: الشیخ عبد الله دشتی الکویتی، دارالولاء لصناعة النشر، الطبعة الرابعة، بیروت، ۱۴۳۶ ه.ق، ص ۴۰۱. در صفحه ۳۹۸ همین کتاب، تاریخ نشر کتاب تبصرة واجب الاعتقاد سال ۱۳۷۹ ه.ق ذکر شده است!

هدیه رساله واجب الاعتقاد للعلامة حلی

(۱۲۶)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحَبِّ عَظْمَاءِ الْمُكَلِّفِينَ نَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَوْجُودٌ لِأَنَّ رَجُلًا لَعَنَ رِبْعَانَ ابْنَ أَبِي لَيْثٍ لَمَّا كَانَ الْعَالَمُ أُمَّتًا
لَكَانَ أُمَّتًا فَحَرَّكَ أَرْسَاكَ وَالْفُتُوحَاتُ أَمَّا الرِّكْزَةُ فَلَا تَمَّ هَيْهَاتَا تَسْتَدْعِي الْمَسْجُودَةَ بِالْعِبْرَةِ لِأَنَّهَا
قَدِمَ وَالْفُتُوحَاتُ بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
الثَّالِثُ الْمَكَانُ الْأَوَّلُ بِالْفَرُوقِ بِسُكُونِ مَسْبُوقِيهِمْ فَتَمَّتْ حُدُوثُ الْعَالَمِ لِوَجْهِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ
مُحَدَّثٌ بِالْفَرُوقِ وَهُوَ الْمَطْلُوبُ لِأَجْزَائِهِ بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
أَوَّلُهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
بِعَقْدِ أَنْ تَعَالَى قَادِرٌ لِأَنَّ لَوْ كَانَ مَوْجِبًا لَمَّا كَانَ الْعَالَمُ لِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
بِنَبَاتِ أَنْ الْعَالَمُ حُدُوثٌ وَجَسَدٌ بِعِنْدَ تَعَالَى نَبَاتِ الْعَالَمِ لِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
كَذَلِكَ كَانَ الْعَالَمُ بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
أَنَّ تَعَالَى تَادِرُهَا لَوْ يَكُونُ جَسَدًا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
مَعْلُومٌ لِأَنَّ سَبَبَ الْمَقْدُورِ أَنَّ الْعَالَمَ عَلَى التَّوْبَةِ لِأَنَّ الْمُنْفِضِي لِلْأَسْنَادِ أَلَهُ هُوَ الْأَمَّانُ وَجَمِيعُ الْأَشْيَاءِ
مَشْرُوكٌ فَوَيْلًا الْعَبْدُ وَالْبَسِيعُ عَلَى سَعْبِ الْأَشْيَاءِ أَوْ يَمْنُ عَلَيْهِ بِالْبَعْضِ لِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
فَدَيْتُمْهَا لِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
الْمَعْلُومَاتُ مِنْ جِلْمَةِ السَّمُوعِ وَالْبَصَرِ بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا بِأَنَّهَا
بِعَقْدِ كَوْنِ تَعَالَى لِأَنَّ لَوْ كَانَ مَعْدَا تَرْتِيزِ الْحَالِ لِأَنَّ لَوْ أَرَادَ أَحَدٌ حَرَكَةَ جَسَدٍ وَارَادَ الْأَخْرَ

اسلامی ایران، دفتر ششم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۶ هجری شمسی، صص ۵۱ - ۵۷.

(۵) به تصحیح شیخ محمد رضا انصاری قمی، چاپ شده در: عقیده الشيعة، القسم الثاني، دارالتفسير، قم، ۱۴۳۶ ه.ق، صص ۶۰۲ - ۶۱۳.

افزون بر چاپهای یادشده، متن رساله واجب الاعتقاد در ضمن شروح منتشره از این رساله هم به طبع رسیده است که در قسمت معرفی شروح این رساله مشخصات نشر آنها بیان شد.

از آنجا که دو چاپ آخر یادشده از رساله واجب الاعتقاد هم اکنون بیشتر از دیگر طبعها در دسترس کلام پژوهان است و احتمالاً رجوع و ارجاع بدانها بیشتر از دیگر چاپهای معرفی شده باشد، در اینجا به ارزیابی این دو چاپ می‌پردازیم.

آقای شیخ محمد رضا انصاری تاکنون دو بار به نشر رساله واجب الاعتقاد دست یافته‌اند که البته طبع دوم، در واقع، باز نشر همان تصحیح و طبع اول است با حروفچینی تازه در قالبی جدید همراه با اغلاط و نابسامانی‌های افزونتر. شوربختانه هیچ‌کدام از دو طبع یادشده

نمایان‌گر ویراستی دقیق و عالمانه از این اثر نیست و طرفه آنکه ویراست دوم ایشان از رساله - که علی القاعده می‌بایست تصحیحی بهتر و دقیق‌تر می‌بود - آشفته‌تر و عیبناک‌تر از تصحیح نخستشان است. این امر، البته حرکت رو به جلو و پیشرفت مصحح ارجمند در امر تحقیق و تصحیح را نشان می‌دهد که متأسفانه نظایرش در جامعه مصححان ما اندک نیست! همانطور که در نقد پیشین خود بر کتاب عقیده الشیعة خاطر نشان کردم^{۵۳}، اکثر رساله‌های مطبوع در این کتاب به نحوی مغلوط ارائه شده است و از این جهت فاقد اعتبار لازم برای رجوع و ارجاع هستند.

در ادامه، به پاره‌ای از کاستیها و نادرستی‌های دو طبع مورد گفت‌وگو اشاره می‌شود. یک ایراد اصلی مشترک به هر دو چاپ انجام گرفته بردست آقای انصاری قمی آن است که در تصحیح این رساله از نسخ کهن و اصیل آن استفاده نشده است. با وجود آنکه نسخ متعددی (حدود ۵۲ نسخه) از رساله واجب الاعتقاد در دسترس است، مصحح در ویراست خود تنها به دو نسخه از قرن نهم هجری قمری بسنده کرده و به دو سه نسخه کهن آن که در قرن هشتم کتابت شده است (و بیشتر مشخصات آنها را بر شمردیم) رجوع ننموده است. لازم است در تصحیح تازه این اثر، از تمامی دست‌نوشته‌های معتبر پیشگفته بهره‌جوئی شود خاصه آنکه بین دو نسخه کهن موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دو نسخه اثر از قرن نهم، که مصحح آنها را مبنای تصحیح خود قرار داده است، اختلافات بسیاری وجود دارد.

چاپ نخست رساله واجب الاعتقاد در دفتر ششم میراث اسلامی ایران با اینکه نسبت به چاپ دوم این رساله در مجموعه عقیده الشیعة کم‌اشتباه‌تر و در مجموع، بهتر است، اشکالاتی مهم به ویژه از حیث حروف‌نگاری و حرکت‌گذاری‌های غلط دارد. در دنباله تنها چند نمونه از این اغلاط را برمی‌شمارم:

(۱) ص ۵۱، س ۳: فقد بینت فی هذه المقالة واجب الاعتقاد علی جميع العباد ← واجب.

(۲) همان، س ۲۱: لو جاز علیه العدم لم یکن واجب الوجود ← واجب.

(۳) ص ۵۲، س ۸: یُجِبُ ← یَجِبُ.

(۴) ص ۵۲، س ۱۷: فیکون مُحدثاً ← مُحدثاً.

(۵) ص ۵۳، س ۳: ذلك الإمام لا يجوز أن یکون جائز الخطاء ← جائز.

اکنون به ارزیابی چاپ اخیر رساله واجب الاعتقاد در کتاب عقیده الشیعة می‌پردازم. ابتدا ضبط غلط یا مرجوح و پس از آن، ضبط صحیح یا برتر ذکر می‌شود. شایان ذکر است که در اکثر قریب به اتفاق موارد زیر، همین ضبط‌های غلط یا مرجوح، در طبع نخست ویراست رساله واجب الاعتقاد در دفتر ششم میراث اسلامی ایران نیز دیده می‌شود.

(۱) ص ۶۰۴، س ۴: محمد المصطفی، و علی المعصومین من أبنائه ← أبنائه^{۵۴}.

(۲) همان، س ۱۱: والقديم لا یصح اقتضاء أن یکون مسبقاً بالغير ← لا یصح أن یکون. (کلمه «اقتضاء» در دو نسخه مجلس نیامده است و ظاهراً زائد است).

(۳) همان، س ۱۶: ولا يجوز أن یکون كذلك المحدث محدثاً وإلا افتقر الی محدث آخر ← ذلك / لافتقر (طبق دو نسخه مجلس).

۵۳. نگرید به مقاله راقم این سطور با عنوان: نقدی بر کتاب عقیده الشیعة، آینه پژوهش، ش ۱۶۰، مهر و آبان ۱۳۹۵، صص ۷۸ - ۸۳.

۵۴. همانطور که در برخی از شروح واجب الاعتقاد آمده است در جمله یادشده، این کلمه ممکن است به سه نحو خوانده شود: (۱) «أبنائه» به معنی «المنینون» یعنی «المخبرون عنه»؛ (۲) «أبنائه»؛ (۳) «أبنائه». دو ضبط نخست، بر ضبط سوم برتری دارد چون حضرت علی (ع) را هم شامل می‌شوند؛ برخلاف ضبط سوم که حضرت (ع) را در بر نمی‌گیرد. (نگرید به: شرح واجب الاعتقاد، چاپ شده در سبحانی، جعفر، رسائل و مقالات، الجزء السادس، مؤتسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۸ هـ.ق، قم، ص ۷۷).

در برخی منابع، از تحصیل السداد در زمره تألیفات علامه حلی نام برده شده است که البته صحیح نیست. شرح مشتمل بر توضیح عبارات کل رساله بر سبک «قوله أقول» است (نک: تصویر شماره ۵). در پایان شرح، نویسنده برای فرزندش عبدالکریم اندرزنامه و وصیتی اخلاقی نگاشته است. این شرح به چاپ نرسیده است؛ ولی دو نسخه از آن در فهرست فنخا معرفی شده است.

(۴) ص ۶۰۵، س ۱: و يجب أن يعتقد أنه الله تعالى قديم ← أنه تعالى. (لفظ جلاله در دو نسخه مجلس نیامده و ظاهراً نایست در جمله ذکر شود).

(۵) همان، س ۱۰: لأن مقتضى إسناد الأشياء هو الإيمان ← لأن مقتضى لاستناد الأشياء إليه هو الإيمان.

(۶) همان، س ۱۶۶: لأنه عالم بكلّ معلومات، و من جملتها المسمع و المبصر ← المسموع (طبق دو نسخه مجلس).

(۷) ص ۶۰۶، س ۴: وأنه تعالى يستحيل عليه الحول في محلّ أو جهة ← الحلول.

(۸) همان، س ۲۰۱۸: لأن الإمامة لطف لأنّ الناس إذا كانوا لهم رئيس و مهيب مرشداً، كانوا إلى الصّلاح أقرب و من الفساد أبعد، و الأول واجب على الله تعالى، فتعيّن عليه تعالى نصب الإمام ← كان / مرشداً / اللطف (طبق دو نسخه مجلس).

(۹) همان، س ۱۰: و يجب أن يعتقد أنه تعالى حكيمٌ، لأنه لا يفعل قبيحاً، و لا يخلّ بالواجب، و إلا لكان ناقصاً ← حكيمٌ لا يفعل / بواجب (كلمة «لأنه» ظاهراً زائد است همانطور که در دو نسخه مجلس هم نیامده است؛ زیرا عبارت «لا يفعل قبيحاً و لا يخلّ بواجب» توضیح و تعریف حکیم بودن خداوند است^{۵۵} و نه علت آن. در واقع، دلیل حکیم بودن خداوند عبارت بعدی مذکور در جمله یعنی «و إلا لكان ناقصاً» است و بنابراین بهتر بود از درج کلمه «لأنه» خودداری می شد).

(۱۰) ص ۶۰۷، س ۸: و إلا لخلا الزمان عن الإمام مع وجود لطف واجب على الله تعالى في كلّ وقت ← مع أن اللطف واجب على الله تعالى (بر اساس دو نسخه مجلس، عبارت صحیح، «أن اللطف» است نه آنچه که در متن ذکر شده).

افزون بر نادرستی‌ها و آشفتگی‌های یادشده، چندین مورد افتادگی هم در همین دو سه صفحه از رساله مشهود است که مهمترین آنها افتادگی یک سطر از آن است. بر اساس دو نسخه کهن مجلس، پس از فقره دهم (طبق دو چاپ آقای انصاری) بعد از مبحث «اراده» این عبارت آمده است:

«و يجب أن يعتقد أنه تعالى كارهُ؛ لأنه نهى عن المعاصي فيكون كارها لها».

در هر دو طبع نشر یافته به دست آقای انصاری قمی این عبارت وارد نشده و گویا از قلم افتاده است. البته ممکن است این افتادگی، ناشی از نسخ اساس تصحیح ایشان باشد؛ ولی به هر حال، این سقط، نقصی در تصحیح رساله به شمار می آید.

آنچه تقدیم شد تنها برخی از اغلاط موجود در تصحیح این رساله مختصر بود؛ اما همین اندازه هم بخوبی نشانگر ناستواری و بی اعتباری این طبع و بیانگر ضرورت تصحیح مجدد رساله واجب الاعتقاد به نحو دقیق و عالمانه با استفاده از نسخه‌های کهن آن و همچنین با لحاظ شروح نوشته شده بر این رساله است.

آنچه تقدیم شد تنها برخی از اغلاط موجود در تصحیح این رساله مختصر بود؛ اما همین اندازه هم بخوبی نشانگر ناستواری و بی اعتباری این طبع و بیانگر ضرورت تصحیح مجدد رساله واجب الاعتقاد به نحو دقیق و عالمانه با استفاده از نسخه‌های کهن آن و همچنین با لحاظ شروح نوشته شده بر این رساله است.

۵۵. عبارت علامه حلی در کشف المراد (ص ۳۰۲) مؤید نظر ماست: «شرح في بيان عدله وأنه تعالى حكيم لا يفعل القبيح ولا يخلّ بالواجب». (كشف المراد، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۳ ق، قم). با این وصف، در نسخه کهن الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد کلمه «لأنه» مضبوط است.